

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۹ نومبر ۲۰۱۸

بنیاد اعتقادات دینی ما

۳

ما امت بیچاره و در بند نمازیم، دنبال خرافات و سوی قبله درازیم،
رفته است زیاد همگی ایزد دانا، با سنگ سیاهی همه در راز و نیازیم
از علم گذشتیم و ز دانش بپریدیم، دنبال روایات عرب های حجازیم،
کشتند به کوفه عربی رابه قساوت، ما سینه زنان در تب و در سوز و گدازیم
افتاده به چاهی عربی بدو تولد، هر روز سر چاه به دنبال نیازیم!!
گویند حلال است زنا با زن کافر، علاف حلالیت خوکیم و کرازیم
محرور ز دیدار زن و صحبت آنیم، با شیر و شتر حال نمودن، مجازیم!
با صیغه و تزویر گرفتند بکارت، ما درپی مهریه و عقدیم و جهازیم
رفتن به خلا تابع فتوای امام است، در مذهب ما، ما همگی گله غازییم
بردند همه ثروت ما را به چپاول، ما امت فقیریم و همه دست درازیم
این امت بیچاره اگر عقل و خرد داشت، میشد که دوباره وطن از پایه بسازیم

سیمین بهبهانی

به ادامه گذشته با در نظر داشت ماهیت اصلی و خرافاتی قشر مفتخور روحانیون باید گفت:
اختلافی درباره عذاب قبر بین اهل سنت و جماعت نیست و همه اتفاق نظر دارند که عذاب قبر حق است و با توجه به
آیات قرآنی (که اصلاً درین باب نیست) و احادیث متواتر، هیچگونه تردیدی در این زمینه ندارند.
بعضی از عقل‌گرایان معتزلی و خوارج نخستین کسانی بودند که با تفکر و عقل منکر عذاب قبر شدند و راه متفاوتی را از
قاطبة امت اسلامی پیش گرفتند.

خوارج و بعضی از معتزلیان مانند ضرار بن عمرو و بشر مریسی و موافقانشان، بهطور مطلق عذاب قبر را انکار کرده‌اند؛ جیبانی از معتزلی‌ها اعتقاد دارد که عذاب قبر ویژه کافران است نه مسلمانان؛ مذهب ابن‌حزم و ابن‌هبیره این است که فقط از روح سؤال می‌شود بدون این‌که روح به جسد بازگردد؛

مذهب جمهور اهل‌سنت این است که هنگام سؤال و عذاب در قبر، روح به کل جسد یا به بخشی از آن برمی‌گردد در این زمینه احادیث دیگری نیز آمده است که مفهوم برخی از آنها عبارت است از: مردگان با یکدیگر **دیدار** می‌کنند؛ قبر نخستین منزل آخرت است؛ قبر با **انسان سخن** می‌گوید؛ عمل میت با او در قبر می‌رود؛ باید برای میت قوم صالحی را برگزینند، یعنی او را در میان قبور صالحان دفن کنند؛ و احادیث بی‌شمار دیگر که امام قرطبی بسیاری از آنها را در کتاب «التذکره» آورده است.

امام احمد بن حنبل می‌گوید: **عذاب قبر حق است** و جز انسان گمراه و گمراه‌کننده، کسی آن را انکار نمی‌کند، امام قرطبی می‌گوید: هرکس بگوید روح می‌میرد و فنا می‌شود، ملحد است.

قرطبی پس از بحث درباره روح می‌نویسد: درباره روح صحیح‌ترین گفتار، مذهب اهل‌سنت و جماعت است که می‌گویند **روح پلک جسم است** و این جسم پس از مرگ نیز محفوظ است، یا در نعمت و خوشی است و یا در عذاب.

منکران عذاب قبر برای انکار عذاب قبر می‌گویند: اگر قبری را که برای میت حفر کرده‌ایم بشکافیم، به عیان می‌بینیم که هیچ اثری از عذاب و یا خوشی در آن مشاهده نمی‌شود و نه از فشار قبر که در روایات آمده خبری است؛ زیرا نه تنگتر شده و نه گشادتر، بلکه به همان حالت نخستین باقی مانده است و نه در آنجا فرشته‌ای دیده می‌شود و نه مار و موری مشاهده می‌گردد، اگر در قبر عذابی وجود می‌داشت، باید آثارش ظاهر می‌شد، بنابراین عذابی در قبر وجود ندارد و مرده تا قیامت مرده است و احساسی ندارد.

احمد بن حنبل در رساله خود که رؤس عقائد اهل حدیث را در آن نوشته است می‌گوید: «عذاب قبر حق است و در آن از گناهان بندگان و از پروردگارشان و از بهشت و دوزخ سؤال می‌کنند و مسأله دو فرشته به نام «منکر و نکیر» نیز حق است»

(حال که در باره عذاب قبر و بحق بودن صد درصد آن قول تعدادی از (ملاهای مشهور را خواندیم لازم است فقط به عرض برسانم که در هیچ جای قرآن از عذاب قبر صحبت نشده و هیچ آیتی در این مورد نیست. (پس این ملا از روی چی غرض ترسانیدن مردم چنین ادعا هائی می‌کنند؟))

روایات زیاد در موارد مختلف زندگی اجتماعی مردم موجود است که این نوکران شیخک‌ها به غیر مسقیم به قرآن نسبت داده و در جامعه بر مردم که عربی نمی‌دانند تحمیل می‌دارند، مثل دعای قنوت!! که فقط یک دعا است، اما شیخک‌ها و دنباله‌روان شان آن را جزء نماز ساخته‌اند و ما نمی‌دانیم و می‌خوانیم و فکر می‌کنیم همین دعا جزء قرآن و سوره‌ای است که باید در نماز خوانده شود؟؟ همچنان باید عرض نمود که: جمله (بسم الله الرحمن الرحيم) نمی‌تواند جزء قرآن باشد و همچنان سوره فاتحه (الحمد) جزء قرآن نیست.

یکی دیگر از مزخرفاتی که این ملاها در مجموع دیگر موضوعات خرافی بر ما موجودیتش را تحمیل کرده‌اند (پل صراط) است.

در قرآن کلمه‌ای در مورد "پل" صراط نیست اما شیخکان و دلال‌های شان می‌گویند «در آخرت پل صراط، یکی از موافق روز قیامت است و در روایات، از آن با تعبیر مختلفی هم چون پل، صراط، پل صراط، پل جهنم و ... یاد شده است.

خطرناکترین عقبه های صراط، عقبه ای است که به نام «مِرْصاد» نامگذاری شده است و خداوند به عزت و جلال خود سوگند یاد کرده است که در این «عقبه» ستمگران را بازداشت نماید چنان که می‌فرماید:

«حَقًّا که آفریدگار تو در کمینگاه (ستمگران) است.»

این پل صراط که شیخکان می‌گویند از (پل چینوت) از عقاید زرتشتی گرفته شده و جزء تبلیغات شان من حیث یک بخش از اسلام شده است.

پل چینودیا چینوت (زبان اوستائی پل داوری درگذشتگان در عقاید زرتشتی است)، آن را پل چینوت که در اشتود گاه اوستا به آن اشاره شده است، از دو بخش چینوت که در اوستائی به معنای «جدا کننده» است و پرتو به معنای «پل» تشکیل شده است و این پل جداکننده پرهیزکاران از بدکرداران است، همچنین هم اکنون برزنی به نام «شناط» که عربی شده همین واژه «چینوت» است، در فراز شهر ابهر در استان زنجان (زنجان عربی) وجود دارد.

آنچه در مورد پل چینوت تصور می‌شود تیغی تیز و شمشیرگونه است که ابعاد آن هریک ۹ نیزه است و برقله کوهی اساطیری به بلندی یک صد مرد به نام «تیره» قرار دارد، این پل از تیره که بلندترین قلّه البرز است تا عرش کشیده می‌شود به عنوان شاهین است که در روز قیامت هر فردی برای ورود به بهشت باید از آن بگذرد، گفته شده که این پل نازکتر از مو و برنده‌تر از شمشیر است که باعث می‌شود گناهکاران در زیر آن افتاده و مورد عذاب الهی قرار گیرند، در باورهای اسطوره‌ای آمده که پل چینوت دو رو دارد برای نیکوکاران عریض و گشاده است و برای بدکاران مانند لبه تیغ باریک و تیز است دینکرد (کتاب ۹، فصل ۱۹، بند ۳)

حال این آخوند ها ما را وادار به قبول موجودات خیالی مثل پل صراط، جن، شیطان خر دجال، یاجوج و ماجوج و ... می‌سازند که در قرآن خود شان هم وجود ندارد و بعضی آنهایی که در قرآن ذکر شده موجودیت فزیکتی نداشته است و تا امروز هیچ کسی آنان را ندیده و لمس نکرده اند.

در قرآن از بهشت و دوزخ زیاد صحبت شده است اما در تورات که آنهم می‌گویند (کتاب آسمانی است و باید به آن ایمان داشته باشیم) نامی از دوزخ برده نشده است هر چند در کتاب مقدس خداوند خطا کنندگان را به عذاب تهدید می‌کند اما این عذاب ها همه دنیائی اند.

آخوند ها می‌گویند:

فاصله آسمان اول تا آسمان بعدی، به اندازه مسافت (۵۰۰) سال می‌باشد و فاصله هر آسمان تا دیگری، همین قدر است و از آسمان هفتم تا کرسی نیز همین مقدار فاصله است و از کرسی تا آب نیز پانصد سال فاصله است و عرش

خدا بر روی آب، و خدا بر روی عرش است

همچنین ادعا شده است:

- میزان بزرگی کرسی، در مقابل آسمانها قابل وصف نیست،

- میزان بزرگی عرش، در مقابل کرسی قابل وصف نیست،

- فاصله بین آسمانها پانصد سال هستند،

- حدفاصل آسمان هفتم و کرسی نیز پانصد سال است،

- حدفاصل کرسی و آب پانصد سال است،

- حد فاصل زمین و آسمان پانصد سال است،

- ضخامت هر آسمان به اندازه مسافت ۵۰۰ سال می‌باشد،

- عمق دریائی که بر فراز آسمانهاست، پانصد سال راه می‌باشد،

مثل این که این آخوند ها از (۵۰۰ سال خوش شان می آید)؟؟

تا اکنون قسمتی از چرندیات آخوند ها را در باره همچو موضوعات خواندیم که سبب گمراهی آدم‌ها شده و آن‌ها را به راه غلط سوق داده است و هر چه بیشتر در مورد موضوعاتی که اساس تحلیل ملاها، آخوند‌ها، رهبران اسلامی آیت الله‌ها، حجة الاسلام‌ها، مولوی‌ها و دیگر نمایندگان خدا را تشکیل می‌دهد بخوانیم چیزی بهتر نمی‌یابیم به جز همین چرندیات که در لابه لای کلمات پیچانیده شده است.

در مجموع می‌بینیم که یک سلسله خرافات زیر نام دین و مذهب سراسر زندگی ما را احاطه نموده و اکثریت ما مردم چنان در این خرافات غرق ساخته شده‌ایم که نمی‌توان تصورش را هم کرد.

مغزهای ما را کثافت‌های کلچر عربی به کمک همین عجمی‌های رفاص شیخ‌ها اشغال نموده و اصلاً علاقه ما را به خواندن و مطالعه آثار علمی و آموختن دانش از بین برده است.

حال که مشاهده می‌کنیم ما مردم و اکثریت مسلمانها که عموماً در کشور‌های عقب‌نگهداشته شده زندگی داریم به مرور زمان ملازده و عرب‌پرست شدیم، بر ما لازم است تا تاریخ اسلام را مطالعه و تاریخ بودن اندیشه‌های اسلامی و وحشت‌آفرینی آنها را در دوره‌های مختلف تاریخی نظر اندازیم آنوقت می‌بینیم که این وحشتناکی، زشت بودن اعمال‌شان و افسانه‌ئی بودن آیده‌های بیرون‌شده از مغزهای متعفن آنها تا چه اندازه ای خجالت‌آور و سیاه است که تعدادی ازین ملاها و یا هم روحانیون از تفسیر و تحلیل آن با وجود نداشتن وجدان سالم خجالت می‌کشند.

برای شناخت ادیان و به خصوص اسلام باید به همین کتابهائی که تاریخ اسلامی گفته می‌شود مثل تاریخ طبری، تاریخ رسل، سیره ابن‌هشام، تاریخ الرسل والملوک، طبقات ابن‌سعد، تاریخ یعقوبی، الفتوح و چند کتاب دیگر مراجعه، مطالعه و بعداً نتیجه‌گیری نمود.

اسلامگرایان از ۱۴۰۰ سال به اینطرف نتوانسته‌اند یک نظام انسان‌سالار را در یکی از جوامع تحت تسلط خود پدید بیاورند چرا؟ برای این که دین اسلام در ذهنیت‌های قدرتمندان، چپاولگران، دشمن‌های دانش و تمدن و... مردم عوام نظر به موقعیت‌های اجتماعی و بر داشته‌های شان از دین فرق دارد.

دین اسلام از زمان ظهور خود تا امروز در هیچ کشوری به صلح و صفا تبلیغ نشده مگر این که پیشوایان اسلام از نگاه سیاسی، اجتماعی، حقوقی و نظامی ضعیف شده باشند این دین همیشه با تهاجم به کشور‌های دیگر، چپاول‌داری و هستی مردم بومی آن سرزمین‌ها به کمک تعدادی از شرفیافته‌های بی‌وجدان به نام روحانیون، ملا، مولوی و در این اواخر عالم‌دین، داکتر‌های اسلامی و... مستقر شده و ملت‌ها را به تباهی کشانیده‌اند.

شرح وحشت‌آفرینی اسلام طی هزاران نوشته و صد‌ها کتاب در طول تاریخ طی چندین سال به قلم دیگر اندیشان نوشته شده است که تا اندازه ای قابل توجه به خردمندی مردم افزوده است

فقر، بدبختی، جاهلیت، چپاول، عدم مراعات حقوق انسانی، مصیبت، بی‌عدالتی و پخش خرافات در ذهنیت‌های عامه، مرده‌پرستی، اعتقاد به ارواح، اجنه، پیروی از فتواهای شیخ‌های عرب و... همه ارمغان اسلام تحمیلی بوده و در طول تاریخ پایه‌های خلافت و امارات اسلامی را تشکیل داده است.

اسلام را از مطالعه تاریخ و عملکرد‌های رهبران و پیشوایانش به خوبی می‌توان شناخت تا از دیدگاه ماتریالیسم؟ خود همین کتابها در نشان دادن ماهیت اصلی اسلام خیلی کمک‌کننده است تا نظرات بی‌دینان و یا مفکره‌های ضد ادیان. اکثریت مسلمانان جهان از ابتدائی‌ترین مسلمان تا پروفیسور اسلامی مثل (ستار سیرت) از اسلام چیزی نمی‌دانند نام تمام آرزو‌ها، رسیدن به مقام‌های عالی اجتماعی، اندوختن ثروت، امید و ترس‌های خود را اسلام گذاشته‌اند.

این تعداد مسلمانها در تمام عمر خود به اندازه تعداد انگشتان شان هم کتاب علمی نخوانده‌اند ورنه امروز جهان اسلام

رنگ دیگری می داشت.

در دینی که ملا و روحانی اش از نعمت سواد محروم باشد چه می توان پیدا کرد؟ آنچه این روحانیون تبلیغ می دارند نفع خود و اربابان شان هدایت کننده و محرک شان بوده است نه تقوا و یا هدایت مردم!؟ و در بی علم بودن پیروان دینی! بیشتر و بیشتر صاحب ثروت می شوند.

اگر باور به این داشته باشیم که تمام شیخک ها و نوکران شان در طول تاریخ با استفاده از نام قرآن در منجمد ساختن مغز های انسانهای از دانش دور نگهداشته شده تلاش نموده اند، دروغ نیست.

ملا، آخوند و روحانی خود را با گفتن و تبلیغ چرندیاتی عربی یک دانشمند اسلامی بر مردم خوشباور تحمیل می کند، کسی که عربی بیاموزد با تفسیر و حدیث کمی آشنائی داشته باشد و منافع مادی اش از طریق استعمار جهانی تمویل شود او می شود یک (رو حانی)؟

دیدگاه عوام به اسلام آرمانگرایانه است این قشر مردم هر چه را خوب، نیک می دانند به اسلام نسبت می دهند و هر چه در نظر شان بد جلوه کند به اسلام ارتباط نمی دهند و به همین دلیل ده ها هزار تفسیر مختلف از اسلام و هزاران فرقه و روش در بیان اسلام وجود دارد.

ما می توانیم بسادگی اسلام را از زاویه (تیوریک) که بیان همان قرآن و حدیث است و هم از عملکرد پیشوایان آن که متکی به همین قرآن و حدیث که تاریخ اسلام بیان می کند به بررسی و تحلیل گیریم، اما روحانیون مخالف هر نوع تجسس انسانی در افشاء شدن حقیقت اسلام می باشند چون در آن صورت متاعی که عرضه داشته می دارند ارزش نخواهد داشت.

هر گروه و فرقه ای که خود را منصوب به اسلام می داند تمام فهم و دانشش در حدود اسلام خودش می باشد و خود و راه روش خود و رهبران شان را اصلی و بقیه را مردود می دانند.

به ارتباط تمام این موضوعات هزاران مثال و دلیل وجود دارد که بیرون نویسی آن از حوصله این نوشته خارج است. حال با اندک توجه می توان بسادگی دید که ما چرا مسلمان هستیم؟ پیرو چگونه اندیشه های خرافاتی و بی اساس می باشیم و مجموع اساسات باور های ما را چه موضوعات و چه پدیده های کثیفی تشکیل می دهد و اگر باز هم با شناخت همه این پدیده های دینی و سیر تاریخی منفی آن در زندگی انسانهای سر زمین ما!! علاقه داشته باشیم تا باور مند به همچو مزخرفات و خرافات باشیم فکر می کنم فقط باید بگویم که لعنت بر ما!!؟

آیا با خواندن متن فارسی قرآن، احادیث و چرندیات تمام (روحانیون) و رقاصه های سیاسی شان می توان باز هم ادعا کرد که (قرآن حرف و هدایت الله است)؟؟